

فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری

سال ۱۱، شماره پیاپی ۴۰، بهار ۱۳۹۹

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

## تبیین نقش نماهای شهری در ایجاد دل‌بستگی به مکان در بین شهروندان (نمونه موردی: نماهای مسکونی شهر تهران)<sup>۱</sup>

آناهیتا ظریف‌پور لنگرودی: دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

فریبا البرزی: استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

جمال‌الدین سهیلی: استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

صص ۲۳۲-۲۱۷

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۰

### چکیده

این پژوهش به بررسی نماهای مسکونی منتخب مسابقات معماری و تبیین نقش نما در ایجاد دل‌بستگی به مکان در بین شهروندان تهران می‌پردازد. هدف اصلی تحقیق، بررسی و شناسایی عناصر نما با تأکید بر معانی و ادراکات ذهنی شهروندان و نقش نما در ایجاد دل‌بستگی به مکان می‌باشد. تحقیق از نوع کاربردی است و جهت ارزیابی مؤلفه‌های تدوین‌شده در مدل مفهومی از ترکیب روش‌های پژوهش پیمایشی و روش توصیفی تحلیلی (تحلیل محتوا) استفاده شده است. نتایج تحلیل‌های کمی و کیفی نمایانگر آن است که نماهای ساختمانی را می‌توان در قالب ابعاد کالبدی (بتا: ۰/۳۲۲)، ادراکی-احساسی (بتا: ۰/۲۸۴) و عملکردی-فعالیتی (بتا: ۰/۲۱۷) بررسی نمود. همچنین، عامل کالبدی با ضریب بتا ۰/۳۲۲ مهم‌ترین اثرگذار را بر احساس دل‌بستگی به مکان ایفا می‌کند. مبتنی بر یافته‌های آزمون فریدمن مؤلفه‌های نوع مصالح با میانگین رتبه ۱۶/۹۸، رنگ نما با میانگین رتبه ۱۶/۸۸، هماهنگی با ابعاد بومی و زمینه‌ای ۱۶/۶۴، وجود سطوح پر و خالی ۱۶/۲۸ مهم‌ترین معیارهای کالبدی، تعامل با بنا با میانگین رتبه ۱۶/۶۳ و تناسب فرم و عملکرد ۱۵/۷۶ و مشارکت مردم ۱۵/۵۵ در مکان مهم‌ترین عوامل عملکردی-فعالیتی و خاطره‌انگیزی بنا با میانگین رتبه ۱۶/۶۰ و دل‌بستگی به بنا ۱۶/۲۸ و تجارب و انباشت ذهنی ۱۵/۱۳ دارای بالاترین میانگین رتبه در عامل ادراکی-احساسی در بین شهروندان مورد مطالعه می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** تعامل فرد و بنا، نما، دل‌بستگی به مکان، ساختمان مسکونی، شهر تهران.

<sup>۱</sup> مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته معماری خانم آناهیتا ظریف‌پور لنگرودی با عنوان "بررسی نماهای مسکونی و تبیین نقش نما در ایجاد

دل‌بستگی به مکان" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین می‌باشد.

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: [faalborzi@yahoo.com](mailto:faalborzi@yahoo.com) ۰۹۱۲۱۸۱۰۶۹۰

## مقدمه:

مفاهیم بسیاری در روانشناسی، علوم اجتماعی و محیطی برای شرح و توصیف جنبه‌ها و مؤلفه‌های مختلف ارتباط فرد- محیط به کار گرفته شده‌اند (Lewicka, 2011: 208). هویت مکان، وابستگی به مکان و دل‌بستگی به مکان از جمله مفاهیمی هستند که جنبه‌های مختلف رابطه فرد با محیط را مفهوم‌سازی و پیوند و ارتباط روان‌شناختی فرد با محیط را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند (Hidalgo & Hernandez, 2001: 273; Hernandez et al., 2007) (Pretty, Chipuer & Bramston, 2003: 274; Lewicka, 2011: 208; Antonsich, 2010: 122 مکان به‌عنوان کانونی از دل‌بستگی است که با تلاش‌هایی برای کمیت سنجی میزان استحکام پیوندها با مکان همراه بوده است (Manzo & Devinrite, 2016: 112-113). محققان بسیاری، دل‌بستگی به مکان را به‌صورت پیوند بین افراد و مکان‌های مهم آن‌ها تعریف می‌کنند (Giuliani, 2003; Low and Altman, 1992). نگاه به ادبیات حوزه دل‌بستگی به مکان حاکی از آن است که پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً در مقیاس شهر، منطقه، محله یا یک بنا به‌صورت کلی انجام شده است (Özkan, Özkan, & Akyol, 2019; Woosnam, Aleshinloye, Ribeiro, Styliadis, Jiang, & Erul, 2018; Ram, Björk, & Weidenfeld, 2016; Van Mahdavejad & nikoudeh, 2016). اما تاکنون پژوهش‌های محدودی در زمینه اثرگذاری نماها بر دل‌بستگی به مکان انجام شده است. همچنین، نگاه منسجمی در ترکیب ابعاد نماهای شهری و متغیرهای دل‌بستگی به مکان وجود ندارد، براین اساس در این پژوهش بر تعامل نقش نماهای شهری بر دل‌بستگی به مکان و اهمیت این ارتباط تمرکز می‌شود. نمای ساختمان اولین مؤلفه ظاهری بنا و اولین فضای ارتباط‌دهنده آن با محیط اطراف است (Mahdavejad & nikoudeh, 2016) و ارتقا کیفیت نماها، نقش اثرگذاری بر احساس و ادراک شهروندان می‌گذارد (Hollander, & Anderson, 2020). همچنین ایجاد ایستایی و مکث و دل‌بستگی به مکان در خیابان‌های شهری مستلزم ایجاد ساختمان‌هایی با جذابیت بصری و شاخص در فضا می‌باشد (Habibzadeh & Abdollahzadehtaraf, 2016: 123). از این‌رو بررسی نقش نماها بر میزان دل‌بستگی به مکان شهروندان و تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر این ارتباط حائز اهمیت می‌باشد. نمودار شماره ۱ نشانگر چارچوب نظری پژوهش و بررسی ابعاد روانشناسی محیط، دل‌بستگی به مکان و نمای ساختمان‌های مسکونی می‌باشد.



نمودار ۱- چارچوب نظری پژوهش، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

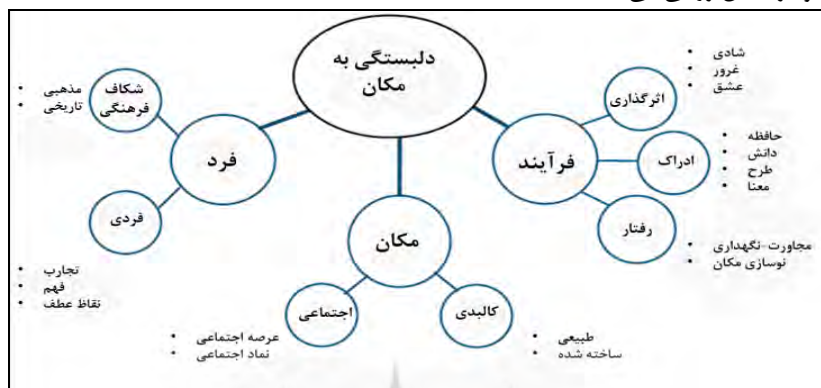
این پژوهش در جستجوی پاسخگویی به این سؤال است که نما چگونه می‌تواند در پیوندهای روان‌شناختی افراد با مکان و ایجاد دل‌بستگی به مکان اثرگذار باشد. بر اساس فرضیه پژوهش بدین صورت است که:

- به نظر می‌رسد می‌توان همبستگی بالایی بین عناصر نما و مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان برقرار نمود.

## پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

**دل‌بستگی به مکان و ریشه‌های نظری آن:** دل‌بستگی به مکان را طبق تعریف نظریه پردازان زنجیره‌ای میان افراد و محیط‌های معنادار تعریف کرد (Hunter, 1983; Scannell and Gifford, 2010; Zareie, & Navimipour, 2016; De Dominicis, Fornara, Cancellieri, Twigger-Ross, & Bonaiuto, 2015; Manahasa, & Özsoy, 2017; Giuliani, Ferrara, & Barabotti, 2003; Altman & Low, 1992) دل‌بستگی به مکان ایجادکننده احساس امنیت، صمیمیت، کنترل و آسایش در زندگی روزانه افراد است (Johnstone, 2012: 1403). دل‌بستگی به مکان، فرهنگ‌ها، دوستان و غریبه‌هایی را که مفهوم مشترکی با مکان دارند به یکدیگر پیوند

می‌دهد (Hanks, Zhang, & Line, 2020:1). دل‌بستگی به مکان را بخشی از هویت مکانی می‌دانند درحالی‌که (kyle, Graefe & Manning, 2005; Hinds & Sparks, 2008) معتقدند که دل‌بستگی به مکان به‌عنوان یک ساختار چندبعدی، هویت مکان را شامل می‌شود. برخی دیگر نیز هویت مکانی و دل‌بستگی مکانی را ابعاد مفهوم گسترده‌تری مثل حس مکان می‌دانند (Hay, 1998; Jorgensen & Stedman, 2001; Pretty, Chipuer & Bramston, 2003). حوزه تحقیقات دل‌بستگی به مکان است (Manzo & Devinrite, 2016:38). اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰) الگوی سه‌بعدی برای مفهوم دل‌بستگی به مکان ارائه داده‌اند که در نمودار (۲) تصویر شده است. این نمودار نشان می‌دهد که مبتنی بر آرای این افراد، دل‌بستگی به مکان در سه بعد مکان، فرآیند و فرد قابل بررسی می‌باشد.



نمودار ۱- الگوی سه‌بعدی دل‌بستگی به مکان، مأخذ: Scannell, & Gifford, 2010

### نما و بدنه‌های شهری:

نمای ساختمان، به‌عنوان واسطه ارتباطی بین فضاهای داخلی و خارجی، مورد ارزیابی بصری شهروندان است و ادراک افراد تحت تأثیر تصویر بصری ایجادشده در نمای ساختمان، شکل می‌گیرد (Yammiyavar, & Roy, 2019: 301). نماهای ساختمانی یکی از مهم‌ترین عناصر بصری شهر بوده و بر ارزش زیبایی‌شناسی شهر اثرگذار هستند. (Danaci & Kiran, 2020: 223). حبیب (۱۳۸۵)، بر این اعتقاد است نمای شهری که بتواند تصویر مناسبی از خود به‌جای بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی هم داشته باشد، چراکه به مردم کمک می‌کند، بدانند در کجا هستند و محیط را خوانده، به نحو مطلوب‌تری فعالیت‌هایشان را تنظیم کنند و حتی می‌تواند خاطرات جمعی و ارتباطات گروهی را افزایش دهند. کیفیت نماها در بعد بصری متأثر از ویژگی‌های فرمی نما است و این ویژگی بازتاب شخصیت معماری، فرهنگ محلی، اجتماعی، اقلیمی، سیاسی و شرایط اقتصادی منطقه نیز به شمار می‌آید (Askari, 2009: 37). عناصری که به‌عنوان ارکان یک نما شناخته می‌شوند، کلیت و شاکله عمده آن نما را شکل می‌دهند (pourjafar, Alavi belmani, 2013: 147). در ارتباط با اجزای نما، کریر، بیان می‌کند که با از نظر عملکردی لازم‌اند و یا صرفاً نقش برجسته‌هایی هستند که به‌نما روح می‌دهند (Krier, 1992). در ارتباط با فرآیند و عواملی که نماهای مختلف ساختمانی در محیط می‌توانند منجر به شکل‌گیری فرآیند دل‌بستگی به مکان در افراد گردند. لذا، مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتقای دل‌بستگی به مکان در نما را می‌توان در ابعاد فرمی کالبدی، ابعاد عملکردی و ابعاد ادراکی احساسی جمع‌بندی نمود. این ابعاد مبنای تحلیل و بررسی مؤلفه‌های اثرگذار نما خواهند بود.

### مواد و روش تحقیق:

پژوهش حاضر تحقیقی کاربردی در جهت دستیابی به تحلیلی جامع از نقش نمای ساختمان‌های مسکونی بر دل‌بستگی به مکان می‌باشد. رویکرد موردنظر در این پژوهش، رویکردی ترکیبی است. جهت ارزیابی مؤلفه‌های تدوین‌شده در مدل مفهومی از ترکیب روش‌های پژوهش پیمایش و روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. در این زمینه، سهم بزرگی از داده‌ها در قالب پیمایش و پرسشنامه جمع‌آوری شده است و تحلیل کیفی در آرای داوران در زمینه هر یک از نماهای منتخب انجام شده است. جهت انتخاب حجم نمونه پرسشنامه، بر اساس جمعیت شهر تهران (۱۳۲۶۷۶۳۷ نفر در بررسی آماری سال ۱۳۹۵) و فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر انتخاب گردیده است. نمونه‌گیری این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای در سه طبقه ساکنین، اهل محل و عبوری طبقه‌بندی شده است که در آن افراد

۱. Scannell & Gifford

نمونه به تناسب و به طور تصادفی از بین این سه طبقه انتخاب می‌شوند. در این راستا، پرسشنامه‌ای ۵۱ سؤالی بر مبنای گویه‌های متغیرهای پژوهش تدوین شد. ده ساختمان منتخب توسط شهروندان و بر اساس سؤالات کمی پرسشنامه، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جهت سنجش کمی مؤلفه‌های نمای اثرگذار بر میزان دل‌بستگی به مکان از آزمون‌های رگرسیون، پیرسون و فریدمن استفاده شده است و در تحلیل کیفی روش‌های مشاهده، مستندسازی تصویری، و تحلیل محتوای نقدهای داوری مطرح شده برای نماها در مجلات معماری و سپس تحلیل بصری عناصر (ارکان و اجزای) نمای ساختمان‌های منتخب جمع‌آوری و ارزیابی شده است.

جهت بررسی نقش نماهای مسکونی بر احساس دل‌بستگی به مکان در شهر تهران، ساختمان‌های منتخب مجله معمار به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در یک دوره ۱۸ ساله از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند. در این بازه زمانی ۲۷ طرح برنده مربوط به گروه مسکونی آپارتمانی در محدوده جغرافیایی شهر تهران می‌باشند که ۱۵ نمونه از این ساختمان‌ها با تأکید بیشتر بر بعد نما قابل بررسی می‌باشند. در نهایت ده ساختمان شامل آپارتمان مسکونی دولت (دولت)، مجتمع مسکونی کوی پروانه (تقاطع آل احمد و چمران)، خانه آجر بافت (آزادی)، آپارتمان مسکونی چیدری (چیدری)، آپارتمان مسکونی ایل‌خانه (زغرانیه)، خانه چهل‌گره (ستارخان)، مجتمع مسکونی ۹۱۱ (اندرزگو)، آپارتمان مسکونی BW7 (کامرانیه)، ساختمان سی (شیخ بهایی)، و مجتمع مسکونی ۵+۱ (اقدسیه)، مبتنی بر بررسی مؤلفه‌های مؤثر از دید داوران (سادگی، نوآوری، فهم مصالح نما، الگوی شهری قابل اشاعه، تراس‌ها، پر و خالی‌ها، عدم خودنمایی، نور رسانی به داخل، ارتباط با ساختمان‌های هم‌جوار، اقتصاد، تسهیل روش اجرا و ...) ارزیابی پژوهشگر و مشاهدات میدانی، به‌عنوان نمونه‌های موردی انتخاب گردیدند.


### بحث و ارائه یافته‌ها:

در راستای تحلیل کیفی آرای مطرح شده توسط داوران در زمینه نماهای مختلف ساختمانی به‌عنوان داده‌های دست‌دوم مورد تحلیل کیفی قرار گرفتند. مهم‌ترین معیارهایی که در آرای غالب داوران تکرار شده‌اند شامل آرامش و سادگی، نوآوری، ایده مشخص، انتخاب درست مصالح، کانسپت قوی و درک و ارتباط با مکان، زمینه و شهر می‌باشند.

جدول ۱- تحلیل کیفی ساختمان‌های منتخب مبتنی بر مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان

دیدگاه مردم	دیدگاه پژوهشگر	دیدگاه داوران	نام ساختمان
خاطره‌انگیزی، ماندگاری ساختمان در ذهن در ارتقای بعد احساسی ادراکی این نما مؤثر بوده است.	نوع انتخاب مصالح و ترکیب چیدمان چوبی و گیاهان موجود در نما و عقب و جلوآمدگی-های آن باعث می‌شود که این نما در ذهن باقی بماند و ارتباط بهتری بین فرد و محیط ایجاد شود.	سادگی، جذاب بودن، تناسب، بافت و نوع خاص مصالح و جزئیات اجرایی آن، عقب و جلوآمدگی در حجم به‌واسطه بالکن از جمله مواردی است که در علل ارجحیت این بنا مؤثر شمرده می‌شود.	 ساختمان مسکونی دولت
هماهنگی با ابعاد بومی و زمینه‌ای، بافت نما و سطوح پر و خالی و مقیاس انسانی در بعد کالبدی، تعامل با بنا و تناسب بین فرم و عملکرد و مؤلفه‌های خاطره‌انگیزی، پیوند عاطفی با بنا در دو بعد دیگر از دیدگاه مردم مؤثر است.	از نظر پژوهشگر نیز نوع انتخاب مصالح مناسب و ترکیب بندی اجسام و ... در نماهای این بنا به لحاظ بصری باعث تأثیرگذاری بر ابعاد عملکردی همچون تناسب فرم و عملکرد و ابعاد احساسی چون خاطره‌انگیزی می‌باشد.	توجه به مصالحی چون آجر در ترکیبات با اتصالات و تناسب در عین سادگی و نسبت باز شو به حجم‌های پر از جمله معیارهای مؤثر در انتخاب مجموعه کوی پروانه مبتنی بر نظر داوران می‌باشد.	 مجموعه مسکونی کوی پروانه
ویژگی‌های بافت، مصالح و رنگ فارغ از فرم و شکل بنا جذاب تلقی شده‌اند. از نظر شهروندان اهمیت اجتماعی مکان به‌درستی تبیین نشده است که این امر بر ادراکات ذهنی شهروندان نسبت به این بنا تأثیرگذار است.	خاطره‌انگیزی و حس آشنایی با بنا به علت ترکیب چیدمان آجری موجود در نما به همراه روشی نوآورانه از عواملی است که در پیوند عاطفی فرد با محیط می‌تواند مؤثر باشد اما نقش محیط پیرامون در ابعاد عملکردی و احساسی تأثیرگذار است.	پیچیدگی طرح در ضمن سادگی، آجر در ویرایش ابدعی و یک فرایند مشخص اجرایی. شکستن نور و صافی مقابل پنجره‌ها از جمله معیارهای مؤثر در ارجحیت نمای این بنا می‌باشد.	 خانه آجر بافت

<p>در بعد عملکردی به ایجاد تحرک در افراد توجه شده است. از نظر شهروندان به خاطره‌انگیزی و تعامل عاطفی با بنا کمتر توجه شده است.</p>	<p>ویژگی‌های زیبایی شناسانه در این نما با توجه به روند دوره‌ای و مقطعی می‌باشد (عدم هماهنگی نما با ابعاد بومی و زمینه‌ای و عدم توجه به مؤلفه‌هایی چون خاطره‌انگیزی و... می‌باشد).</p>	<p>نحوه برخورد با موقعیت خاص زمین پروژه، جانمایی فضاها، نما و مصالح پوشش آن از معیارهای مطرح شده بر مبنای نظر داوران است</p>	 <p>ساختمان چیدری</p>
<p>این ساختمان از لحاظ فرمی و با توجه به متغیرهایی مانند بافت نما، رنگ، مصالح، سطوح پر و خالی و به دلیل تعامل با بنا و توجه به تناسب فرمی و عملکردی در وجه عملکردی-فعالیتی، ایجاد تصورات ذهنی و خاطره‌انگیزی، در بعد ادراکی-حسی موفق ارزیابی شده است.</p>	<p>مبتنی بر نظر پژوهشگر چیدمان پوسته‌های متخلخل آجری و هماهنگی در رنگ و نوع مصالح و... که در هماهنگی بنا با ابعاد بومی و زمینه‌ای مؤثر است، سبب ایجاد حس خاطره‌انگیزی، پیوند و تعامل فرد با بنا و به وجود آمدن تناسب فرم و عملکرد می‌شود.</p>	<p>توجه به طراحی حجمی بنای ایل خانه با توجه به موقعیت خاص زمین و ایجاد پوسته‌ای نیمه شفاف و متخلخل، شامل چهارچوبی فلزی و پوششی آجری، و بعضاً قابل حرکت روی نما، به لحاظ دید و نورگیری از جمله علل برتری این نما از نظر داوران می‌باشد.</p>	 <p>ایل خانه</p>
<p>موقعیت قرارگیری این بنا در بافت و مصالح در هماهنگی با بافت پیرامون، در بعد کالبدی، مشارکت مردم در مکان و تعامل با بنا به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در بعد عملکردی، با توجه به خاطره‌انگیزی و دل‌بستگی از نظر ادراکی و حسی مؤثر تلقی می‌شود.</p>	<p>به نظر می‌رسد از این دست برخوردهای طراحانه با نوعی از تفکرات مبدعانه با مصالح سنتی چون آجر و... راهکارهایی مناسب جهت ایجاد حس خاطره‌انگیزی، امنیت، رمز و راز، جذابیت و... در نهایت ارتقای حس دل‌بستگی به مکان باشند.</p>	<p>طراحی حجم و پوسته خارجی با روشی است که اجرای بافته آجری پیچیده را با تکیه بر امکانات موجود میسر کرده است که توسط دو کارگر ساده قابل اجرا است (کنترل هزینه با توجه به بودجه اندک) و... .</p>	 <p>خانه چهل گره</p>
<p>از نظر عملکردی-فعالیتی، تناسب فرم و عملکرد با موفقیت ارزیابی شده و رمزآلود بودن با توجه به پیچیدگی‌های موجود در بعد ادراکی-حساسی قابل توجه بوده است.</p>	<p>طراحی درون‌نگرایانه در نما با پیش و پس آمدگی دیوارها و حجم‌ها و بازی نور و سایه در جهت تداوم بصری با معماری گذشته ایران، این نما را در ایجاد هماهنگی با ابعاد بومی زمینه‌ای مؤثر می‌داند.</p>	<p>توجه به معیارهایی چون پیش و پس آمدگی دیوارها و حجم‌ها، ایجاد نور و سایه با شکاف در پوسته‌ها، تعریفی متفاوت از تراس با استقرار در نقاط داخلی بنا، رنگ و بافت مصالح می‌باشد.</p>	 <p>خانه ۹۱۱</p>
<p>از نظر شهروندان این ساختمان در غالب ابعاد فرمی و کالبدی موفق تلقی شده است. از نظر تناسب فرم و عملکرد، در بعد عملکردی موفق ارزیابی شده و در برخی از مؤلفه‌های ادراکی-حسی ضعیف تلقی شده است.</p>	<p>از نظر پژوهشگر معیارهای زیبایی شناسانه کالبدی در این نما بر ابعاد عملکردی-فعالیتی بیشتر از ابعاد احساسی مؤثر بوده است.</p>	<p>تفکیک حجمی همراه با تغییر مصالح و مؤثر در ایجاد هماهنگی نسبی با خط آسمان (با توجه به ساختمان‌های کناری)، فضای سبز و... از معیارهای مؤثر در انتخاب این ساختمان می‌باشد.</p>	 <p>ساختمان مسکونی BW7</p>
<p>از نظر کالبدی، رنگ و مصالح و همچنین چیدمان و پیکربندی فضایی، خوانایی این بنا، آن را تا حد زیادی از نظر عملکردی-فعالیتی و ایجاد مشارکت مردم تقویت کرده و با ایجاد حس راحتی و آرامش از نظر شهروندان، در ارتقای بعد احساسی مؤثر بوده است.</p>	<p>به نظر می‌رسد نمای بنا بیشتر با تمرکز بر عوامل زیباشناسانه بصری بررسی شده و مؤلفه‌هایی که مرتبط با مفاهیمی چون حس مکان و دل‌بستگی به مکان است در آن بیشتر منوط بر ابعاد کالبدی است.</p>	<p>حجمی دیدن و نه صرفاً طراحی نما. طراحی نماهای دوم و سوم و چهارم. به‌عنوان معماری بدنه، نسبتاً کم‌نقص. یکپارچگی در طراحی. سادگی در نما. ترکیب صفحات شفاف باز و کدر از نکات مثبتی مطرح شده از نظر داوران است.</p>	

			ساختمان مسکونی سی
<p>نکته بارز این بنا، وجود گیاهان و فضای سبز بوده است که از نظر کالبدی تا حد زیادی آن را تقویت کرده است و باعث تعامل با بنا، تناسب فرم و عملکرد از نظر عملکردی شده است.</p>	<p>فضای سبز هم از بیرون و هم از درون چشم‌انداز را احیا می‌نماید. استفاده از نمای سبز حتی برای نماهای ساخته‌شده‌ی نامناسب با توجه به در نظرگیری شرایط نگهداری از آن در درازمدت می‌تواند در پیوند عاطفی فرد و بنا مؤثر به نظر برسد.</p>	<p>مصالح و جزئیات خوب، فیلتر نور و سرما با نمای سبز. ساخت خوب. بالکن، و نما به‌عنوان یک الگوی شهری.</p>	 <p>ساختمان مسکونی پنج بعلاوه یک</p>

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

### یافته‌های تحلیل کمی:

#### متغیرهای اثرگذار نماهای مسکونی بر احساس دل‌بستگی به مکان:

یکی از جداول خروجی آزمون رگرسیون چند متغیر، خلاصه مدل می‌باشد که به بررسی ضریب همبستگی بین متغیرها و ضریب تعیین تعدیل‌شده می‌پردازد. نتایج حاصله نشانگر این است که مقدار ضریب همبستگی ( $R$ ) بین متغیرها  $0/۸۲۸$  می‌باشد که نشانگر همبستگی بسیار قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق است؛ و از سوی دیگر مقدار ضریب تعدیل‌شده ( $R Square$ ) برابر است با  $0/۶۸۵$  درصد که نشان‌دهنده این می‌باشد که  $۶۸/۵$  درصد از کل تغییرات مؤلفه دل‌بستگی به مکان به سه متغیر کلی ابعاد کالبدی، ابعاد عملکردی-فعالیتی و ابعاد ادراکی-احساسی وابسته می‌باشد. خروجی بعدی، جدول ۲ ضرایب می‌باشد، که میزان تأثیر هر متغیر در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲- ضرایب

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	تی	سیگما
	بی	خطای استاندارد	بتا		
<i>Constant</i>	۰,۲۶۵	۰,۲۰۴		۱,۳۰۱	۰,۱۹۵
مؤلفه کالبدی	۰,۱۱۴	۰,۰۵۲	۰,۳۲۲	۲,۲۰۷	۰,۰۲۹
مؤلفه عملکردی-فعالیتی	۰,۰۵۳	۰,۰۱۴	۰,۲۱۷	۳,۷۷۰	۰,۰۰۰
مؤلفه ادراکی-احساسی	۰,۴۵۵	۰,۰۶۴	۰,۲۸۴	۷,۱۰۹	۰,۰۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

در جدول ۲ در صورتی که سطح معناداری کمتر از  $0,۰۵$  باشد ( $p < 0,05$ )، نشانگر وجود رابطه بین متغیرهاست. عدد  $Beta$  نیز نوع و شدت رابطه را مشخص می‌کند (منفی رابطه معکوس، مثبت رابطه مستقیم). یافته‌های جدول ۲ حاکی از این است که بر اساس ستون  $sig$  تمامی متغیرهای ستون مدل، دارای ارتباط معنادار با میزان دل‌بستگی به مکان می‌باشند، بنابراین نتایج نشان می‌دهند که از دیدگاه شهروندان، این سه ابعاد کلی نماهای ساختمانی بر میزان دل‌بستگی به مکان اثرگذار هستند، در این میان بعد کالبدی مهم‌ترین معیار اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان ارزیابی شده است، پس از آن ابعاد ادراکی-احساسی و عملکردی-فعالیتی بالاترین میزان اثرگذاری بر میزان دل‌بستگی به مکان شهروندان را دارند.

بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان شهروندان با یکدیگر: به‌منظور سنجش رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین هریک از مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر دل‌بستگی به مکان با یکدیگر

مؤلفه ادراکی- احساسی	مؤلفه عملکردی- فعالیتی	مؤلفه کالبدی	معیارهای اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان
		۱	مؤلفه کالبدی
	۱	**۰,۴۱۰	مؤلفه عملکردی فعالیتی
۱	**۰,۳۳۳	**۰,۵۱۱	مؤلفه ادراکی احساسی

ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

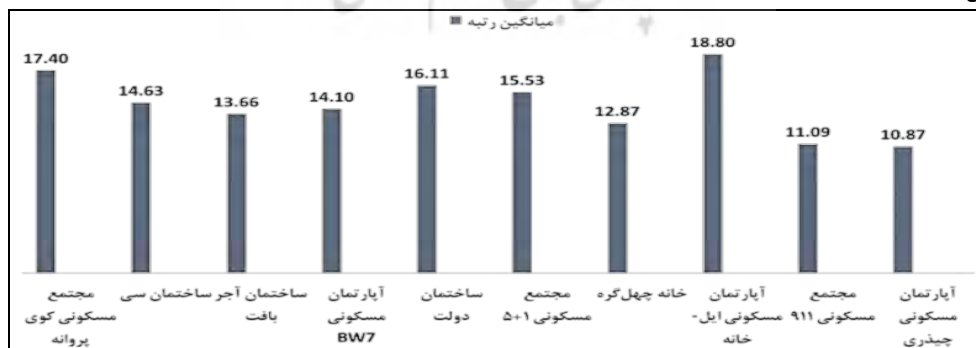
نتایج جدول ۳ نشانگر این است که بین مؤلفه عملکردی-فعالیتی و مؤلفه کالبدی ( $r=0/410$ ,  $n=384$ ) و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه عملکردی-فعالیتی و مؤلفه کالبدی رابطه مستقیم و بالایی به میزان ۰,۴۱۰ برقرار است. به این معنا که طراحی کالبدی مناسب و توجه به معیارهای کالبدی و عناصر نما، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت عملکردی-فعالیتی در نماهای ساختمانی گردند و بالعکس بی‌توجهی به طراحی این عناصر سبب کاهش کیفیت عملکردی-فعالیتی می‌گردد. مؤلفه ادراکی-احساسی: نتایج نشانگر این است که مؤلفه ادراکی-احساسی دارای رابطه مستقیم و معناداری با مؤلفه‌های کالبدی ( $r=0/511$ ,  $n=384$ ) و عملکردی-فعالیتی ( $r=0/333$ ,  $n=384$ ) می‌باشد. به این معنا که با ارتقای مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی-فعالیتی، ابعاد ادراکی-احساسی دل‌بستگی به مکان نیز بالا می‌روند و بالعکس.

### آزمون فریدمن / تحلیل واریانس دوطرفه:

به‌منظور سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی میزان هریک از مؤلفه‌های اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان، از آزمون فریدمن استفاده شده است. در تفسیر نتایج آزمون فریدمن، برای این که پی برده شود که آیا تفاوت میانگین آرای افراد از مؤلفه‌ها معنادار است یا خیر، باید به مقدار آزمون کا-اسکورر (۶۳۶,۴۳۱) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است استناد شود، باید گفت که به لحاظ آماری میزان اهمیت و نقش هریک از ۳ مؤلفه اصلی در ارتقای دل‌بستگی به مکان معنادار بوده است (سطح معناداری: ۰/۰۰۰).

**سنجش میانگین رتبه مؤلفه‌های اثرگذار بر دل‌بستگی به مکان:** نتایج آزمون فریدمن در بررسی و تحلیل ابعاد کالبدی نما نشان می‌دهد که مهم‌ترین مؤلفه‌های موجود در نما که بر میزان دل‌بستگی به مکان شهروندان مؤثر بوده‌اند شامل نوع مصالح، رنگ نما، هماهنگی با ابعاد بومی و زمینه‌ای، وجود سطوح پر و خالی، تراس و ایوان، بافت نما، ویژگی‌های زیبایی شناسانه و نمای سبز می‌باشند. در بعد عملکردی-فعالیتی تعامل با بنا مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر احساس دل‌بستگی به مکان در نماهای ساختمانی منتخب می‌باشد. پس از آن تناسب فرم و عملکرد و مشارکت مردم در مکان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ابعاد عملکردی-فعالیتی می‌باشند که در طراحی نماهای ساختمانی باید مدنظر معماران و طراحان قرار گیرند. در بعد ادراکی-احساسی، خاطره‌انگیزی، دل‌بستگی به بنا و تصور ذهنی و انباشت تجارب و پیشینه ذهنی مهم‌ترین مؤلفه‌های ادراکی-احساسی مؤثر بر دل‌بستگی به مکان هستند که باید در طراحی مورد توجه قرار گیرند.

**بررسی میزان دل‌بستگی به مکان در نماهای ساختمانی منتخب:** در گام بعدی لازم است تا مشخص شود کدامیک از نماهای موردبررسی بالاترین میزان دل‌بستگی به مکان را در شهروندان به دست آورده‌اند، به این منظور از طریق سنجش آزمون فریدمن، نتایج در نمودار (۳) نشان داده شده است.

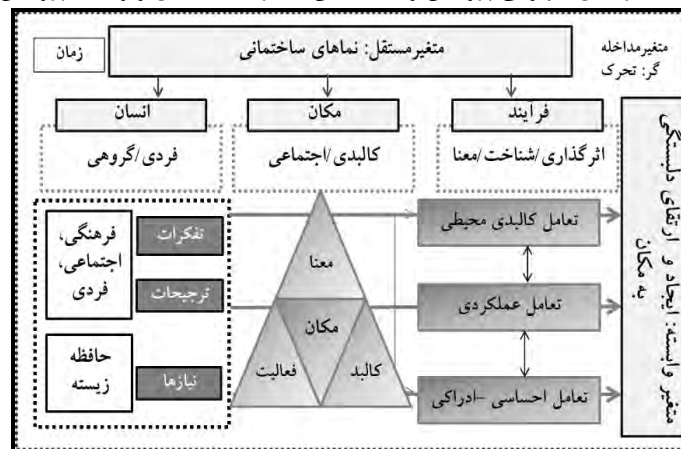


نمودار ۳- میانگین رتبه دل‌بستگی به مکان در نماهای ساختمانی منتخب، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.





رتبه ۱۶/۶۳ مهم‌ترین معیار مؤثر بر احساس دل بستگی به مکان در نماهای ساختمانی منتخب می‌باشد. پس از آن تناسب فرم و عملکرد با میانگین رتبه ۱۵/۷۶ و مشارکت مردم در مکان ۱۵/۵۵، از مهم‌ترین مؤلفه‌ها می‌باشند که در طراحی نماهای ساختمانی باید مدنظر معماران و طراحان قرار گیرند. نمودار (۵) نشانگر مدل مفهومی پژوهش و ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش می‌باشد.



نمودار ۵- مدل مفهومی پژوهش، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

بررسی میزان دل بستگی به مکان در نماهای ساختمانی منتخب نشان می‌دهد که ساختمان ایل‌خانه با میانگین رتبه ۱۸/۸۰، کوی پروانه با میانگین رتبه ۱۷/۴۰ و ساختمان دولت با میانگین ۱۶/۱۱ بالاترین میزان دل بستگی به مکان را به خود اختصاص داده‌اند و ارکان و اجزای موجود در آنها بالاترین میزان دل بستگی به مکان را به شهروندان القا کرده‌اند، دلیل این ویژگی را می‌توان بالا بودن میانگین رتبه مشخصه‌های کالبدی و ارتباط و تعاملی که فرد از بعد احساسی و عملکردی با نما ادراک می‌کند، ارزیابی نمود. همان‌گونه که تحلیل‌های بصری گونه ساختمان ایل‌خانه و نیز نتایج حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد طراحی این نما به گونه‌ای است که در حجم اصلی با استفاده از فضاهای پر و خالی و عقب‌نشینی در بنا توسط بالکن به ایجاد نوآوری در نما دست‌یافته است و بر تباین رنگی و مصالح و بافت در نما تأکید شده است. این امر سبب ارتقای تعامل افراد با نما شده و افراد ساکن نیز تعامل بیشتری با محیط برقرار می‌کنند. نمودار (۶) نشانگر ارتباط بین مکان، فرآیند و انسان در شکل‌گیری معنای متأثر از نماهای ساختمانی است، مدل پژوهش نشانگر ارتباط و همبستگی مؤلفه‌های فرمی-کالبدی، احساسی-ادراکی و عملکردی-معنایی است که تأیید کننده فرضیه پژوهش می‌باشد.



نمودار ۶- ارتباط بین مؤلفه‌های مختلف نمای ساختمانی و احساس دل بستگی به مکان شهروندان، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

**Reference:**

1. Antonsich, M. (2010). *Meanings of place and aspects of the Self: an interdisciplinary and empirical account*. *GeoJournal*, 75(1), 119-132.
2. Askari, A. H. (2009). *Influence of building façade visual elements on its historical image: Case of Kuala Lumpur city, Malaysia*. *Journal of Design and Built Environment*, 5(1).
3. Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). *Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome*. *Landscape and urban planning*, 65(1-2), 41-52.
4. Danaci, H. M., & Kiran, G. (2020). *Examining the factor of color on street facades in context of the perception of urban aesthetics: Example of Antalya*. *International Journal of Curriculum and Instruction*, 12, 222-232.
5. Eusébio, C., Vieira, A. L., & Lima, S. (2018). *Place attachment, host-tourist interactions, and residents' attitudes towards tourism development: The case of Boa Vista Island in Cape Verde*. *Journal of Sustainable Tourism*, 26(6), 890-909.
6. Giuliani, M. V. (2003). *Theory of attachment and place attachment*. na.
7. Giuliani, M. V., Ferrara, F., & Barabotti, S. (2003). *One attachment or more?. People, Places and Sustainability*, 111-22.
8. Gustafson, P. (2001). *Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations*. *Journal of environmental psychology*, 21(1), 5-16.
9. Habibzadeh Koozehkonani, J., Abdollahzadehtaraf, A. (2016). *Urban Street Design in order to improve the sense of place, Case study: Golshan e Raz street of Shabestar*. , 7(25), 105-124
10. Hanks, L., Zhang, L., & Line, N. (2020). *Perceived similarity in third places: Understanding the effect of place attachment*. *International Journal of Hospitality Management*, 86, 102455.
11. Hay, R. (1998). *Sense of place in developmental context*. *Journal of environmental psychology*, 18(1), 5-29.
12. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). *Place attachment and place identity in natives and non-natives*. *Journal of environmental psychology*, 27(4), 310-319.
13. Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). *Place attachment: Conceptual and empirical questions*. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 273-281.
14. Hinds, J., & Sparks, P. (2008). *Engaging with the natural environment: The role of affective connection and identity*. *Journal of environmental psychology*, 28(2), 109-120.
15. Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). *The impact of urban façade quality on affective feelings*. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*.
16. Hunter, A. D. (1983). *Persistence of local sentiments in mass society*. In *Reprinted in New Perspectives on the American Community*. Dorsey Press.
17. Johnstone, M. L. (2012). *The servicescape: The social dimensions of place*. *Journal of Marketing Management*, 28(11-12), 1399-1418.
18. Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2001). *Sense of place as an attitude: Lakeshore owners attitudes toward their properties*. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 233-248.
19. Krier, R. (1992). *Facades. Elements of architecture*.
20. Kyle, G., Graefe, A., & Manning, R. (2005). *Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings*. *Environment and behavior*, 37(2), 153-177.
21. Lewicka, M. (2010). *What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment*. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 35-51.
22. Lewicka, M. 2011. *Place attachment: How far have we come in the last 40 years?. Journal of environmental psychology*, 31(3), 207-230.
23. Li, X., Kleinhans, R., & van Ham, M. (2019). *Ambivalence in place attachment: the lived experiences of residents in danwei communities facing demolition in Shenyang, China*. *Housing Studies*, 34(6), 997-1020.
24. Low, S. M., & Altman, I. (1992). *Place attachment*. In *Place attachment (pp. 1-12)*. Springer, Boston, MA.

25. Mahdavinejad, M., Nikoudel, F. (2016). *Interaction between Visual Beauty and New Lighting Technologies for Nightscape of Buildings Facades*. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 8(15), 131-143.
26. Manahasa, E., & Özsoy, A. (2017). *Place attachment to a larger through a smaller scale: attachment to city through housing typologies in Tirana*. *Journal of Housing and the Built Environment*, 1-22.
27. Manzo, L. C. (2015). *Beyond house and haven: Toward a revisioning of emotional relationships with places*. *Journal of environmental psychology*, 23(1), 47-61.
28. Manzo, L. Devinrite, P. (2016), *Attachment to place: Advances in theory, methods and applications*, translation: Hassan Sajjadzadeh; Behnam Ghasemzadeh, Hamedan: Publications of Bu Ali Sina University.
29. Marcus, C. C. (1992). *Environmental memories*. In *Place attachment* (pp. 87-112). Springer, Boston, MA.
30. Özkan, D. G., Özkan, S. D., & Akyol, D. (2019). *PLACE SATISFACTION, PLACE ATTACHMENT AND SENSE OF COMMUNITY IN NEIGHBORHOODS: A CASE STUDY ON TRABZON, TURKEY*. *Management Research & Practice*, 11(3).
31. Pourjafar, M., Alavi Belmaeni, M., 2013, *Extracting the criteria for coordination and inconsistency of building facades with the human visual system according to the principles of visual ecology*, *journal of Iranian Architecture and Urbanism*, Volume 3, Issue 4
32. Pretty, G. H., Chipuer, H. M., & Bramston, P. (2003). *Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity*. *Journal of environmental psychology*, 23(3), 273-287.
33. Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). *Place-identity: Physical world socialization of the self*. *Journal of environmental psychology*, 3(1), 57-83.
34. Ram, Y., Björk, P., & Weidenfeld, A. (2016). *Authenticity and place attachment of major visitor attractions*. *Tourism Management*, 52, 110-122.
35. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). *The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections*. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422-434.
36. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. (Vol. 67). London: Pion.
37. Salvesen, D. (2002). *The making of place*. *Research on place & space*, Website, 20 February 2003, 12 March 2003.
38. Scannell, L., & Gifford, R. (2010). *Defining place attachment: A tripartite organizing framework*. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 1-10.
39. Van Riper, C. J., Yoon, J. I., Kyle, G. T., Wallen, K. E., Landon, A. C., & Raymond, C. (2019). *The antecedents of place attachment in the context of an Australian national park*. *Journal of Environmental Psychology*, 61, 1-9.
40. Williams, D.R., et al, (1995). *Measuring place Attachment. More preliminary results*. paper presented at the 1995 Leisure. Research Symposium, NRPA Congree, San Antonio.
41. Williams, D.R.S, & Vaske, J.J, (2003). *The measurement of place attachment: validify and generalizability of a psychometric approach*. *Forest science*, 49(6): 830-840.
42. Woosnam, K. M., Aleshinloye, K. D., Ribeiro, M. A., Styliadis, D., Jiang, J., & Erul, E. (2018). *Social determinants of place attachment at a World Heritage Site*. *Tourism Management*, 67, 139-146.
43. Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). *Influence of Visual Elements in Building Facades in the Formation of Experiential Perception*. In *Research Into Design For A Connected World* (pp. 301-314). Springer, Singapore.
44. Zareie, B., & Navimipour, N. J. (2016). *The impact of electronic environmental knowledge on the environmental behaviors of people*. *Computers in Human Behavior*, 59, 1-8.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



Islamic Azad University  
Marvdash Branch



## ***Explaining the role of urban views in creating place attachment for citizens (Case Study: Tehran Residential Views)***

**Anahita Zarifpour Langrodi:** PhD Candidate of Architecture Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

**Fariba Alborzi<sup>1</sup>:** Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (corresponding Author)

**Jamal Al Din Soheili :** Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Received: 2019/11/1

pp: 229- 232

Accepted: 2020/1/10

### **Abstract**

This study investigated residential facades as well as explaining the role of facade in creating attachment to place in Tehran and its emphasis was on recognizing the role of selected facades of architectural competitions on citizens' sense of attachment to place and their connection and interaction with the environment. Based on the content analysis method in examining the theories in this area, a special conceptual model has been developed that offers a role model for promoting attachment to place. The basis of selection of buildings in this study was based on the criteria of arbitration, housing, locating in Tehran and emphasis on facade components. The research paradigm, the hybrid paradigm and the research method were based on qualitative and quantitative methods. Based on field visits, initial discussions and conceptual models of targeted questionnaires have been prepared. The results of quantitative and qualitative analyzes show that building facades can be examined in the form of physical dimensions (beta: 0.322), perceptual-emotional (beta: 0.284) and performance-activity (beta: 0.217). Also, the physical factor with a beta coefficient of 0.322 plays the most important effect on the attachment to the place. Based on the findings of the Friedman test, the components of the type of materials with an average rank of 16.98, a facade color with an average rank of 16.88, coordination with local dimensions and backgrounds with average of 16.64, the existence of full and empty levels of 16.88 are the most important physical criteria. , Interaction with the building with an average rank of 16.63, proportionality of form and performance of 15.67 and people's participation of 15.55 in the place of the most important functional aspects and memorable factors of the facade with an average rank of 16.60 and attachment to the building with average of 16.68 And mental experiences with an average of 15.33 have the highest average rank in the perceptual-emotional factor.

**Key words:** interaction of individual and building, place attachment, residential building, Tehran City.

### **Extended abstract**

#### **Introduction:**

This study investigated residential facades and explaining the role of facade in creating attachment to place in Tehran and its emphasis was on recognizing the role of selected facades of architectural competitions on citizens' sense of attachment to place as well as connecting and

<sup>1</sup> Corresponding author, Email: faalborzi@yahoo.com, Tel: +989121810690

interacting with the environment. Also, extensive studies have also been conducted on different scales of place on attachment, but the specific feature of this study was to investigate the role of residential views on attachment to place. The building facade referred to a number of facades of buildings that were adjacent to the open space. Since the facade of the building was the first external component of the building and its first communicating space with the surrounding environment, this study has been analyzed. Therefore, in order to investigate the role of residential views on the feeling of attachment to the place in Tehran, the selected buildings of Architect Magazine have been selected as a case study in a 3 year period from 1 to 5 years. During this time period, 27 winning designs belonged to the residential group of apartments in the geographical area of Tehran. 15 examples of these buildings could be examined with more emphasis on the facade. Finally, ten buildings including Government (Government) Residential Apartment, Koye Parvaneh Residential Complex (Ahmad & Chamran intersection), Ajorbaft House (Azadi), Chizari Residential Apartment, Ilkhaneh Residential Apartment (Zafarani), Chelgere House (Sattarkhan), Residential Complex 911 (Anderzgou), BW7 Residential Apartment (Kamaraniyah), Building C (Sheikh Bahai), and Residential Complex 1 + 5 (Aqdessia), based on a review of effective components from the judges' perspective (simplicity, innovation), Understanding of materials, spreadable urban pattern, terraces, vacancies, lack of display, indoor lighting, communication with adjacent buildings, economics, facilitating implementation, etc. Dot field, were selected as case studies.

### **Methodology**

In this research, in line with the purpose and research questions, along with the collection of quantitative data, the qualitative data required by observation methods, visual documentation, and the content analysis of the judgments criticized for views in Architectural journals and then visual analysis of the elements (elements and components) of selected buildings were collected. This is common to increase the validity and reliability of qualitative data, under the heading of three biases, or by using different collection methods. Also, due to proper sample size determination (statistical validity) and selection of appropriate sampling method and existence of homogeneity in sample group of statistical population (environmental validity) external validity or good generalizability is obtained and validity or internal validity of this study, In addition, Cronbach's alpha coefficient was used to assess the reliability of the research instruments.

### **Results and discussion**

The results of this table showed that the coefficient of correlation ( $R$ ) between the variables was 0.828, indicating that there was a strong correlation between the set of independent variables and the dependent variable of the research; Another coefficient of adjustment ( $R$  Square) was 0.685%, which indicates that 68.5% of the total location attachment component changes to the three general variables of physical dimensions, functional-activity dimensions and perceptual dimensions. Also, the survey of the attachment to the location in the selected building views showed that the altar building had the highest attachment to the place and its components and components induce the highest degree of attachment to the citizens. , The reason for this feature could be assessed by the high average rating of physical and communication characteristics that one perceives emotionally and functionally.

### **Conclusion**

By examining the role of building facades and their importance for place attachment through the analysis of selected architectural facades of Architectural Magazine and the results of field studies, a series of generalizable conclusions about the role of different building facades in relation to people's behavior was presented. Some of the findings were used as research purposes to discover the emotions of visitors to selected building views so that they could be used as key components in designing building views as one of the responsible and influential parts of the city's visual and conceptual structure. The findings of the study indicated that based on the results of statistical studies, all conceptual variables of the study, including physical, perceptual-emotional and functional-activity dimensions had a significant relationship with the concept of attachment to place. It played a more important role in promoting attachment to the place. Investigation and analysis of the physical

dimensions of the building facades showed that the most important components in the facades that have an impact on the attachment of the citizens are the type of materials, the color of the facade, the coordination with the indigenous and contextual dimensions, the existence of high surfaces and empty, terrace and veranda were textured, aesthetically pleasing and green. Investigation of the functional-activity components affecting the feeling of attachment to the place in the selected building facades showed that interaction with the building was the most important criterion for affecting the place attachment feeling in the selected building facades. After that, the proportion of form, function and participation of people in the place were the most important components that architects and designers need to consider when designing building facades. An examination of the mean ratings of perceptual-emotional components Selected constructive facets affecting place attachment indicate that the most important perceptual-emotional components were memory, attachment to the building, and mental imagination and accumulation of experiences and mental background. Affecting attachment to the place where things that should be taken into consideration in design.



